

«روایت راهیان» صحنه‌ای در مسیر خورشید

بسیاری از آثار اجراشده در سال‌های گذشته، برگرفته از داستان‌های کمتر شنیده‌شده از واقعه عاشورا بوده یا نگاهی تازه به مفاهیمی چون فراق، فداکاری، غربت و جهاد داشته‌اند. در واقع «روایت راهیان» نه تنها بازتابی از فرهنگ عاشورا، بلکه نوعی تأویل معاصر از آن است

فاطمه شریفی

در آستانه اربعین حسینی، کاروانی از هنرمندان متعدد بار دیگر عازم مسیری می‌شوند که سال‌هاست نه فقط جایگاه سوگ و دلدادگی، بلکه صحنه‌ای برای بازخوانی حقیقت و پایداری است. «روایت راهیان» حالا به نهمین سال خود رسیده‌است؛ طرحی هنری که از سال ۱۳۹۵ از سوی گروهی از هنرمندان حوزه هنری شکل گرفت و در آن کاروان‌هایی از تئاتر خیابانی، تعزیه و آیین‌های نمایشی مردمی در مسیر پیاده‌روی اربعین به اجرا می‌پردازند.

■■■

«روایت راهیان» فراتر از یک پروژه هنری است؛ این همایش، نه فقط هنر را به میان مردم آورد، بلکه آن را در بستر زنده و بی‌واسطه‌ای قرار داده که میلیون‌ها زائر از سراسر جهان در آن حضور دارند. تلاقی فرم‌های نمایش آیینی با فضایی بی‌پیرایه و مؤمنانه اربعین، بستر کم‌نظیری برای تجربه هنری پدید آورده که هم در خدمت پیام است و هم متکی بر فرهنگ مردمی.

تعزیه و تئاتر خیابانی در جغرافیای مقاومت مسیری که روایت راهیان در آن اجرا می‌شود، نه صرفاً مسیر نجف تا کربلا، بلکه گذرگاهی از حافظه تاریخی شیعه است. هنرمندانی که در این مسیر به اجرای پرانند، می‌دانند با مخاطبانی روبه‌رو هستند که قلبشان در گیر معناس؛ مخاطبانی که آمده‌اند تا عهده ببینند، نه فقط تماشا کنند. از این‌رو، فرم اجرا نیز رنگ و بوی خاصی دارد؛ بی‌واسطه، عاطفی، مردمی و متکی بر عناصر نمایشی آیینی چون تعزیه، پرده‌خوانی، نقالی و نمایش میدانی. تعزیه‌خوانان در میان کاروان‌ها حرکت می‌کنند، در فضاهای باز، میانه میدان‌ها یا کنار موبک‌ها می‌ایستند و پرده‌ای از عاشورا را مقابل چشم زائران زنده می‌کنند. این شکل از اجرا، بر خلاف تئاتر صحنه‌ای به مخاطب اجازه می‌دهد تا خود درون ماجرا باشد و گاه حتی جزئی از روایت شود. این فرم، پیش از ۱۲۰ اجرای گذشته در قالب نمایش‌های آیینی و تئاتر خیابانی در طول مسیر

نجف تا کربلا برقرار خواهد شد. گروه‌های نمایشی از استان‌های مختلف ایران گرد هم آمده‌اند تا در این مسیر نورانی، روایتی تازه از کهن‌ترین داستان پایداری ارائه کنند.

هنر در متن حماسه

آنچه «روایت راهیان» را از سایر همایش‌های

بسیاری از آثار اجراشده در سال‌های گذشته، برگرفته از داستان‌های کمتر شنیده‌شده از واقعه عاشورا بوده‌اند یا نگاهی تازه به مفاهیمی چون فراق، فداکاری، غربت و جهاد داشته‌اند. در واقع «روایت

روایت راهیان تلاشی است برای رساندن پیام عاشورا از زبان هنر: از دل خاک مسیر اربعین با گام‌های هنرمندانی که خود را راوی حقیقت و شاهدان امروزین کربلا می‌دانند. این همایش، نمونه‌ای موفق از پیوند هنر با ایمان و فرم با محتواست

فرهنگی

سرویس فرهنگی ۸۸۵۲۳۰۶۰



به یکی از بزرگ‌ترین اجتماعات بشری و یک رسانه عظیم برای بازخوانی حقیقت مقاومت شده است. در این میان، نقش هنرمندان به‌ویژه در قالب‌هایی چون تئاتر خیابانی، نقشی دوچندان است. آنها و آشک زائران معنا پیدا می‌کنند. تماشاگران این نمایش‌ها، نه مخاطبانی غریبه، بلکه خود شریک غم‌اند، اهل وفاداری و دلباختگی‌اند و هنرمند نیز نه صرفاً بازپر که گاه روضه‌خوان، مرثیه‌پرداز و ناقل حقیقت است.

بسیاری از آثار اجراشده در سال‌های گذشته، برگرفته از داستان‌های کمتر شنیده‌شده از واقعه عاشورا بوده‌اند یا نگاهی تازه به مفاهیمی چون فراق، فداکاری، غربت و جهاد داشته‌اند. در واقع «روایت راهیان» نه تنها بازتابی از فرهنگ عاشورا، بلکه نوعی تأویل معاصر از آن است، خوانشی که دغدغه انسان

امروز را با پیر دریای کربلا پیوند می‌زند. ■ امتداد یک روایت زنده اربعین تنها مناسکی شیعی نیست؛ اکنون تبدیل

حرکتی و آوایی‌ای هستند که می‌توانند بدون نیاز به ترجمه، پیام خود را به مخاطبان جهانی منتقل کنند. زائرنی که از کشورهای مختلف در مسیر اربعین حضور دارند، هرچند زبان هنرمندان ایرانی را به‌درستی درک نکنند، اما بازبان بدن، حس، صدا و فضا ارتباط برقرار می‌کنند.

به همین دلیل «روایت راهیان» نه فقط روایتی ایرانی از عاشورا، بلکه روایتی انسانی، جهانی و تمدنی است؛ روایتی که در آن درد مظلوم، آواز حق‌طلبی و جلوه‌های مقاومت، مرز نمی‌شناسد.

■ آینده این حرکت

پایداری روایت راهیان تا نهمین سال پیاپی، نشان از عمق این ایده و استقبال مردمی از آن دارد. با این حال، به نظر می‌رسد ظرفیت‌های این پروژه بسیار فراتر از اجراهای سالانه در مسیر اربعین باشد. می‌توان تصور کرد که آثار منتخب این همایش، پس از اربعین در شهرهای مختلف ایران یا در مجامع بین‌المللی مرتبط با هنر مقاومت به اجرا درآیند. همچنین ثبت تصویری و مستندسازی دقیق‌تر از این اجراها، فرصتی برای شناخت بهتر این تجربه در اختیار پژوهشگران و علاقه‌مندان قرار خواهد داد.

افزون بر آن بهره‌گیری از ظرفیت هنر جوانان، تولید نمایشنامه‌های تازه با محوریت مفاهیم عاشورایی و پیوند دادن این حرکت با سایر هنرها همچون موسیقی آیینی، پویانمایی و هنرهای تجسمی می‌تواند آینده‌ای غنی‌تر برای روایت راهیان رقم بزند.

روایت راهیان تلاشی است برای رساندن پیام عاشورا از زبان هنر؛ از دل خاک مسیر اربعین با گام‌های هنرمندانی که خود را راوی حقیقت و شاهدان امروزین کربلا می‌دانند. این همایش، نمونه‌ای موفق از پیوند هنر با ایمان و فرم با محتواست و نشان می‌دهد که هنر، اگر متعهد و مردمی باشد، می‌تواند به رساترین زبان برای بیان حقیقت بدل شود.

در مسیری که پر از اشک و عهد و عشق است، کاروان هنرمندان «روایت راهیان»، برچم روایت را به دست گرفته‌اند؛ روایتی که نه به پایان می‌رسد و نه به سکوت، چراکه کربلا، هنوز روایتگری می‌طلبد.

اثری آموزنده اما غیرمستقیم ارائه می‌دهد. این

همان چیزی است که نوجوان امروز می‌پسندد، نه درس مستقیم، بلکه تجربه‌ای که خود بتواند در آن کشف و انتخاب کند.

■ زبان، سبک و روایت در خدمت انتقال معنا

زبان کتاب متناسب با فضای نوجوان است، نه کودکان و نه بچه‌پدیده. جمله‌ها کوتاه، پویا و تصویرسازند. روایت کتاب ریتم مناسبی دارد، نه شتاب‌زده و نه کند. نویسنده اجازه می‌دهد مخاطب نفس بکشد، فکر کند و با شخصیت همراه شود. حتی صحنه‌های پر تنش جنگ با نثری کنترل شده و پر از تصویرپردازی‌های لطیف بیان شده‌اند، به‌گونه‌ای که نه وحشت‌زده می‌کنند و نه هیجان‌زده، بلکه برانگیزاننده‌اند.

■ راضیه تاجار، روایتگری که می‌داند برای که می‌نویسد

راضیه تاجار در «آواز پرواز» یک بار دیگر نشان داد نویسنده‌ای است که با نوجوانان صادق است. او نه آنها را دست‌کم می‌گیرد، نه از آنان توقع درک بزرگسالانه دارد، بلکه با شناختی عمیق از ذهن و زبان نوجوان، روایتی از مردان آسمان را در قالبی انسانی و قابل لمس بازآفرینی می‌کند.

در دورانی که نیاز به الگوهای واقعی، صادق و باورپذیر در ادبیات نوجوان بیش از هر زمان احساس می‌شود، «آواز پرواز» می‌تواند یکی از نمونه‌های موفق در این عرصه باشد. این کتاب، پلی است میان دیروز و امروز، میان پرواز ایمان و جست‌وجوی معنا و میان نسلی که پر کشید و نسلی که باید بداند چرا این پروازها هنوز شنیده می‌شوند.



می‌پردازد و در کمتر از چند دقیقه، ذهن مخاطب را درگیر می‌کند، او را به فکر وامی‌دارد و گاهی حتی به خنده. این سبک روایی، آن را نه فقط به یک اثر سرگرم‌کننده، بلکه به ابزاری آموزشی بدل کرده که قابلیت استفاده در فضای مدرسه، کلاس‌های تربیتی یا رسانه‌های کودک و نوجوان را نیز دارد. در نهایت، «هیس‌طوری» نمونه‌ای موفق از انیمیشن‌هایی است که به‌جای سرگرمی صرف، به مسئولیت‌پذیری تاریخی هم وفادارند. اثری که نشان می‌دهد چگونه می‌توان تاریخ را برای نوجوان بازگو کرد بی‌آن که تلخ یا کسالت‌بار شود و چگونه می‌توان از ابزار هنر برای بیدارسازی نسل فردا استفاده کرد.

و موز قدرت‌های استعماری را با زبانی طنز و کاریکاتوری ترسیم کرده‌اند. استعمارگران در این مجموعه نه قهرمانند و نه هیولا، بلکه بازگرانی‌اند که با نقاب تمدن، وارد سرزمین ملت‌ها می‌شوند، منابع را غارت می‌کنند، فرهنگ‌ها را تخریب و خود را منجی معرفی می‌کنند. دقیقاً همان تصویری که تاریخ آن را تأیید می‌کند، اما کمتر در روایت‌های آموزشی به نسل نوجوان منتقل شده است. ویژگی مهم دیگر «هیس‌طوری» فرم کوتاه و اپیزودیک آن است که با ذائقه رسانه‌ای نسل نوجوان هماهنگ است. هر قسمت، به یکی از کشورها، وقایع مهم یا چهره‌های مشهور استعمارگر

«هیس‌طوری» با نگاهی تربیتی و رویکردی سرگرم‌کننده، توانسته است از دل اسناد تاریخی و واقعیت‌های تلخ، روایتی کارتنی اما اندیشمندانه بسازد. استفاده از طنز، شخصیت‌پردازی اغراق‌شده و روایت‌های کوتاه و پر کشش، این اثر را برای مخاطب نوجوان جذاب کرده است، در حالی که پیام‌های عمیق سیاسی –تاریخی را نیز در لایه‌های زیرین خود حمل می‌کند. این توازن میان محتوا و قالب، یکی از مهم‌ترین نقاط قوت این انیمیشن است.

نویسندگان و سازندگان «هیس‌طوری» به‌جای آن که نوجوان را با شعارها یا تصویرهای خشن از استعمار روبه‌رو کنند، چهره فریبکارانه، ریاکار

«هیس‌طوری»، وقتی انیمیشن تاریخ را صدا می‌زند

راضیه نجیبی

در روزگاری که رسانه‌ها، تصویر استعمار را به نرمی بازسازی و تظاهر می‌کنند و نوجوان امروز در معرض روایت‌های تحریف‌شده از گذشته قرار گرفته است، انیمیشن «هیس‌طوری» قدمی مهم و هوشمندانه در جهت بازخوانی حقیقت استعمار به زبان هنر و برای نسل نوجوان است. این انیمیشن که بر اساس مجموعه کتاب «سرگذشت استعمار» تولید شده، روایتی است جسورانه و طنزآمیز از چهره واقعی قدرت‌های استعماری، انگونه که در تاریخ بوده‌اند، نه انگونه که امروزه خود را بازتعریف می‌کنند.



و در پایان، این امید و همدلی با پذیرش رنج‌ها تکمیل می‌شود:

«توم غصه‌هاتو رو دوشمون کشیدیم / ولی سر خم نکردیم...»

به این ترتیب، شعر از عشق شخصی به وطن آغاز می‌شود، به ایثار و همبستگی اجتماعی می‌رسد و در نهایت به تاریخ مشترک ایستادگی یک ملت اشاره می‌کند.

■ تنظیمی در خدمت معنا

قطعه «ایران» در قالب موسیقی پاپ ساخته شده است، اما به واسطه انتخاب آگاهانه سازه، فضای آن از مرزهای پاپ فراتر می‌رود. گیتار آکوستیک و رهی‌های سینماتیک، ساختاری حماسی و در عین حال لطیف ایجاد کرده‌اند. تنظیم با پرهیز از شلوغی صوتی، تمرکز را بر صدای خواننده و بار معنایی کلمات حفظ می‌کند.

ملودی قطعه ساده، گوش‌نواز و در خدمت شعر است. در ورس‌ها شاهد ملودی نرم و آرام هستیم که با رسیدن به کورس (بخش‌های تکرارشونده اصلی)، به اوج عاطفی می‌رسد. این ساختار پل‌لپه، دقیقاً همان فراز و فرودهایی را تداعی می‌کند که سر نیز ترسیم می‌کند: آغاز با تماشای آسمان، عبور از خاطرات جنگ، مشکلات اقتصادی و رسیدن به مقاومت جمعی.

فرزاد فرزین، با صدایی گرم و اجرای کنترل شده‌اش به خوبی توانسته است بین حماسه و احساس تعادل برقرار کند. تحریرهای حساب شده و لحن آرام ولی مصمم او، بیانگر درونی‌سازی کامل شعر است.

■ ابعاد فرهنگی و اجتماعی قطعه

قطعه «ایران» را می‌توان پاسخی هنری به فضای جمعی پس از یک بحران بزرگ دانست؛ زمانی که مردم نیازمند بازتعریف امید، هویت و همراهی‌اند. تلاشی برای ایجاد زبان مشترک سوره‌نشان‌نشدن توجّه نهادهای فرهنگی به نقش موسیقی در بازسازی اجتماعی است. «ایران» نغمه‌ای انسانی است که تلاش می‌کند از دل رنج، صدای همبستگی بسازد.

تولید این اثر به همت سازمان سینمایی سوره انجام گرفته است؛ نهادی که در سال‌های اخیر با تمرکز بر تولیدات هنری فاخر در حوزه سینما و هنرهای ترکیبی، نقش فعالی در بازتاب دغدغه‌های ملی و هویتی داشته است. حمایت از قطعه ایران نیز در همین راستا معنا می‌یابد: تلاشی برای ایجاد زبان مشترک میان هنر و اجتماع و بازخوانی مفاهیم کلیدی چون وطن، ایثار و امید در قالبی معاصر.

■ پیوند سنت و معاصر در ستایش وطن

«ایران» نمونه‌ای از تلفیق موفق شعر مینهن پرستانه، ملودی متعادل و اجرای انسانی است. این قطعه در ادامه سنت تصنیف‌های کلاسیک ایرانی با زبانی امروزی و موسیقی مدرن، معنای وطن را نه تنها به عنوان سرزمین، بلکه به عنوان تجربه‌ای زیسته، بازتعریف می‌کند. فرزاد فرزین در این اثر نه فقط خواننده که راوی یک احساس جمعی است؛ راوی نسلی که هنوز ایستاده است.